

## بررسی راهکارهای نهادینه‌سازی

### امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ عمومی جامعه\*

□ سیدعلی هاشمی‌خان‌عباسی<sup>۳۱</sup>

#### چکیده

نهادینه‌سازی امر به معروف و نهی از منکر و تبدیل آن به یک فرهنگ غالب و مستمر در جامعه، معلول علل و عوامل متعدّد و دارای راه‌های مخصوص به‌خود است که در این مقاله، نقش محوری دارد. بر اساس آموزه‌های دینی، امر به معروف و نهی از منکر، یک فرهنگ آموختنی و موضوع تعلیمات منابع اصیل اسلامی، از عقل و نقل است. مطابق این دو منبع، برنامه‌ریزی جامع و متناسب با زمان و سطوح فراگیران، انتخاب افراد جامع‌الشرایط به عنوان دست‌اندرکاران امر تبلیغ و آموزش‌های دینی، توجه به حالات و ویژگی‌های فردی و اجتماعی و ذوق فراگیران معارف الهی، از جمله مؤلفه‌های عامل آموزش صحیح این دو اصل اسلام است. تبلیغات، یکی دیگر از این عوامل است و دارای راه‌ها و روش‌های متعدد است و شناخت آن و اجرایی کردنش برای نهادینه‌سازی امر به معروف و نهی از منکر ضرورت دارد؛ مثل فضا‌سازی معنوی و تقویت مراکز فرهنگی و دینی، ایجاد زمینه جذب حداکثری با روش معرفی شخصیت‌های علمی و دینی، تشکیل کانون‌های دینی و مذهبی و جلسات دینی، از جمله نمونه‌های این عامل است.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۶.

۳۱. استادیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری (a.hashemi1@yahoo.com).

توجه به بُعد روحی و عنصر روانی مخاطبین، از دیگر عوامل تحقق و نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی است، چراکه با بحران روانی، هیچ حرکت مثبتی آغاز نشده و به سرانجام نمی‌رسد و فرهنگ‌سازی، مقدم بر کار فرهنگی و ارزش‌محوری است. عدم شغل، نبود امنیت شغلی، عدم تناسب شغل با تخصص و مسئولیت‌کاری، بی‌توجهی به عدالت اجتماعی، تأمین هزینه زندگی و تحصیل، عدم شفافیت و صداقت، از جمله مهم‌ترین بحران‌های روحی و روانی است که نظام اجتماعی انسان را در جامعه، مختل می‌کند و گرایش او را در جهت اندیشیدن و پذیرش معارف و فرهنگ‌پذیری تضعیف می‌نماید. همچنین، توجه جدی به عامل سیاسی و اقتصادی، کنترل و نظارت که بدون آن، هیچ ارزش و هنجاری در جامعه استمرار نیافته و ناهنجاری برچیده نمی‌شود و نیز، عامل بازدارنده و آسیب‌شناسی معقول و منطقی پیرامون هر عاملی که موجب از بین رفتن و یا کم‌رنگ شدن انگیزه انسان در گرایش به ارزش‌های الهی می‌گردد، در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** راهکار، نهادینه‌سازی، امر به معروف، نهی از منکر، فرهنگ، جامعه

### مقدمه:

امر به معروف و نهی از منکر در آموزه‌های قرآنی در حوزه عمل اجتماعی، از جایگاه بسیار بالا و پرارزشی برخوردار است. از این رو، معتزله آن را در کنار توحید، عدل و وعد و وعید، از اصول دین برشمرده و شیعیان آن را به عنوان دو اصل از اصول دهگانه فروع دین و از ضروریات آن دانسته‌اند و گفته‌اند که بنیاد دین و شریعت بر نماز، روزه، حج، جهاد، خمس، زکات، امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری است.

این دو اصل، محافظ تمام اعمال نیک است، چراکه در صورت نبود این دو اصل، بهترین اعمال نیک به فراموشی سپرده شده، بقیه احکام الهی نیز عملی نخواهد شد. به این جهت است که امام محمد باقر علیه السلام، این دو اصل را محور همه دین و شریعت معرفی می‌نماید. طبق رهنمود آن حضرت، اگر مسلمانان به دو اصل امر به معروف و

نهی از منکر اهتمام بورزند، دنیا و آخرت خود را آباد خواهند کرد، زیرا انجام دیگر واجبات، امنیت و آسایش، رفاه و آرامش، تأمین حقوق مردم و آبادی شهر و روستا، همه و همه در گرو عمل به این دو اصل است، چراکه معروف از منظر وحی، تمام اعمال و رفتارهایی است که مصلحت مردم در آن است و منکر نیز، تمام کارهای زشتی است که فساد و تباهی و بی بند و باری در پی دارد.

اگر اهل ایمان، به احیای معروف و جلوگیری از منکرات اهتمام بورزند، جامعه‌ای سالم و به دور از زشتی‌ها، آلودگی‌ها، نگرانی‌ها و تضییع حقوق انسان‌ها به وجود خواهد آمد.

با این حال، باید توجه داشت که کار فرهنگی و یا فرهنگ‌سازی در موضوعات و مسائل دینی و پیاده‌سازی ارزش‌ها و فضائل دینی و نهادینه کردن آن، به صورت یک سیستم است که اجزای آن انفکاک ناپذیر و همه اجزای آن، باید هماهنگ کار کند تا نتیجه مطلوب عائد شود. بنابراین، وزارتخانه‌های ارشاد، آموزش و پرورش، علوم، فن آوری و تحقیقات، مجلس، قوه قضائیه، شورای انقلاب فرهنگی، صدا و سیما، سازمان تبلیغات اسلامی کشور و همه مراکز و محافل دینی و فرهنگی، اجزای مؤثر این سیستم به حساب می‌آیند که باید هماهنگ عمل کنند تا نتیجه مطلوب حاصل شود. باید توجه داشت که بازدهی و تأثیرگذاری مطلوب از فعالیت‌های فرهنگی و دینی، معلول یک علت جامع و مشترک بین همه مسئولین و مدیران سطح عالی کشور تا رده‌های پایین‌تر است و آن عبارتست از تعهد، تدبیر و کاردانی و کارشناسی.

پیرامون امر به معروف و نهی از منکر، موضوعات خرد و کلان و مسائل فراوانی وجود دارد که می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. مقاله حاضر، این دو اصل الهی را با رویکرد کاربردی و با استفاده از تجربیات چندین ساله نگارنده در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی و با استناد به کتاب و سنت، مورد توجه قرار داده است.

راه‌های مؤثر در گسترش و عینیت بخشیدن امر به معروف و نهی از منکر و نهادینه کردن این فریضه بزرگ الهی و تبدیل آن به یک فرهنگ غالب در جامعه بشری، معلول علل و عوامل زیر است:

## الف. آموزش صحیح

امر به معروف و نهی از منکر، یک فرهنگ آموختنی است و باید از آموزش مطلوب برخوردار باشد. آموزش، یک سیستم است که اگر تمام اجزای آن هماهنگ عمل کند، نتیجه مطلوب می‌دهد. بنابراین، هر چیزی که در تحقق این عامل مؤثر بوده و به صورت نرم افزاری و سخت افزاری کاربرد دارد، باید مورد توجه قرار گیرد و در این مقاله، مهم‌ترین مؤلفه‌ها و فاکتورهایی که این سیستم را تشکیل داده و نتیجه بخش می‌کند، مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱. برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی، یکی از امور مهم فعالیت‌های زندگی بشر است. توجه به کیفیت برنامه‌ریزی، می‌تواند انسان را در آرمان و هدف‌هایش یاری نماید. آموزش هر موضوعی اعم از مادی و معنوی، آن‌گاه می‌تواند آرمان‌ساز باشد که از برنامه‌ریزی مطلوبی برخوردار باشد. برنامه‌ریزی آموزشی برای تبلیغ معارف دین (معروف‌ها و منکرات)، ویژگی‌هایی دارد که ذیلاً به آن پرداخته می‌شود:

**الف. روش تدریجی:** در برنامه‌ریزی، توجه به روش تدریجی ضرورت دارد؛ چراکه ممکن است اولاً همه نوآموز باشند و ثانیاً، بدآموز باشند و در نتیجه، ظرفیت جذب و هضم بایدها و نبایدهای دین را نداشته باشند و بر همین اساس است که برنامه‌ریزی مطلوب، باید به روش جامعه‌پذیری باشد که به طریق تدریجی صورت می‌گیرد. معمولاً ما انتظار داریم کسانی که در گرداب منکرات غوطه‌ور شده‌اند، یک دفعه آن‌ها را از گرداب درآوریم و یک مسلمان ایده‌آل بسازیم، در حالی که تربیت، امری تدریجی است و فضائل و رذائل، هیچ کدام یک مرتبه در جان انسان‌ها به وجود نمی‌آیند. در حقیقت، یکی از علل نزول تدریجی قرآن، توجه به این نکته مهم است.

**ب. استمرار و پیوستگی در برنامه‌ریزی:** باید فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، در بُعد اجرایی و عملی نهادینه شود. این پیوستگی، موجب به وجود آمدن عادت می‌شود و عادت، از جمله عوامل مؤثر در گرایش به کارهای ارزشی خواهد بود، چنان‌که در بُعد منفی نیز مؤثر است.

عادت، از جمله عناصر مهم در راه سعادت انسان است. حکیمان بزرگی مثل افلاطون، دو چیز را مهم‌ترین عامل برای خوشبختی آدمیان معرفی می‌کنند: یکی عادت و دیگری علم و معرفت (رحمان‌پور و بختیار، ۱۳۹۰، ۱۶۰، ۵۹). در مورد استمرار در عمل، روایات زیادی از ائمه علیهم‌السلام نقل شده است که در اینجا به چند روایت اشاره می‌شود.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

... عودوا قلوبکم الرقة (مجلسی، ۱۳۶۳، ۳۵۱/۸۰)؛ یعنی دل‌های خود را به رقت و نرمی عادت دهید.

همچنین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جایی دیگر، نتایج استمرار و مداومت بر کار نیکو را این چنین بیان می‌فرماید:

أما المداومة على الخير، فيتشعب منه: ترك الفواحش، والبعد من الطيش، والتحرج، اليقين، وحب النجاة، وطاعة الرحمن، وتعظيم البرهان، واجتناب الشيطان، والإجابة للعدل، وقول الحق، فهذا ما أصاب العاقل بمداومة الخير؛ آن‌چه از مداومت بر کار نیک بر می‌خیزد، عبارت است از: ترک زشتی‌ها، دور شدن از سبکسری، بیرون آمدن از گناه، یقین، عشق به رهایی و رستگاری، فرمانبردن از خدای بخشنده، بزرگداشت برهان، کناره‌گیری از شیطان، پذیرش عدل و گفتار حق. اینها چیزی است که از پیگیری در کار نیک به خردمند می‌رسد (همان، ۱۱۷/۱).

همچنین، امام علی علیه‌السلام در مورد استمرار در کارها فرمودند:

قليل تدوم عليه أرجى من كثير مملولٍ منه (نهج البلاغه، حکمت ۲۷۸)؛ کار اندکی که ادامه یابد، از کار بسیاری که از آن به ستوده آبی، امیدوار کننده‌تر است.

امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

ما من شيء أحب إلى الله من عمل يداوم عليه، وإن قل (کلینی، بی‌تا، ۱۲۹/۳)؛ هیچ چیز نزد خداوند، محبوب‌تر از کاری نیست که بر آن مداومت شود، هر چند اندک باشد.

ج. تنوع در برنامه ریزی: یک‌نواختی در برنامه‌ها، خسته کننده و ملال‌آور است. در روایات اسلامی، به تنوع در برنامه‌ریزی، توجه جدی شده است. امام صادق علیه‌السلام

می‌فرماید: «شایسته است مسلمان عاقل، ساعتی از روز خود را برای کارهایی که بین او و خداوند انجام می‌گیرد اختصاص دهد و ساعتی، برادران ایمانی و دوستان خود را ملاقات کند و در امور معنوی و اخروی با آنان گفتگو کند و ساعتی، نفس خود را با لذت‌ها و مشتهیاتش که گناه نباشد آزاد بگذارد و این ساعت لذت، آدمی را در انجام وظایف دو ساعت دیگر کمک می‌کند (کلینی، ۱۳۶۳، ۵/ ۸۷).

د. ملاحظات در برنامه‌ریزی: در برنامه‌ریزی، شرایط زمان، مکان و شخصیت مخاطب از جنبه‌های مختلف فیزیکی، روانی، عاطفی، عقلانی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، آمادگی، فکری، کشش‌ها و تجربیات گذشته باید به دقت لحاظ گردد. ه. با فطرت انسان‌ها طراحی کنند تا این که در پرتو این برنامه‌ریزی، انسان، فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر را که امنیت و عدالت و اشتغال و رفاه به آن وابسته است فراگرفته و در نتیجه، نیازهای فطری‌اش تأمین گردد.

## ۲. دست اندرکاران و متولیان آموزش

با توجه به آیات قرآن کریم در سوره‌های نحل / ۹۰، اعراف / ۱۵۷، حج / ۴۱ و آل عمران / ۱۱۰ و ۱۱۴، می‌بینیم که امر به معروف و نهی از منکر، از ذات اقدس الهی سرچشمه گرفته و آنان که قرآن، ایشان را به‌عنوان آمرین به معروف و ناهین از منکر توصیف نموده است، از پاکان و نیکان روی زمین‌اند؛ یعنی از انبیاء و حاکمان صالح و هیأت‌های صالحه و افراد شایسته و نیک جامعه هستند. با توجه به آموزه‌های وحیانی و تأکیدات روایی، متولیان و معلمان و دست اندرکاران این امر در جامعه، می‌بایست افرادی باشند که از ویژگی‌های زیر برخوردارند:

الف. مسئولیت عملی مقدم بر مسئولیت تبلیغی: اولین و مؤثرترین شیوه در امر به معروف و نهی از منکر، تبلیغ عملی است. قرآن کریم، آمرین به معروف و ناهین از منکر را که خود عامل نیستند توییح و از این کار منع نموده است: ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ (بقره/۴۴)؛ آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟ و در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف/۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی (سخنی) می‌گویید که عمل نمی‌کنید.

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام در ترویج و گسترش مکتب، توجه به این شیوه بوده است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در اغلب کارها از قبیل کندن خندق، ساختن مسجد و برنامه‌های فرهنگی، تبلیغی و اجتماعی، قبل از این که دیگران را تشویق به این کار کند خود پیشقدم می‌شد. امامان معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام با تأسی به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به این طریق عمل می‌کردند. امام علی عَلِيٌّ می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتَكُمُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ إِلَّا أَسْبَقَكُمْ إِلَيْهَا وَلَا أَنَهَاكُمُ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا أَنَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵)؛ ای مردم، سوگند به خدا شما را به طاعتی ترغیب نمی‌کنم مگر آنکه به آن از شما پیشی می‌گیرم و شما را از معصیتی منع نمی‌کنم، مگر آن که پیش از شما از آن باز می‌ایستم.

و در جای دیگر می‌فرماید:

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَمَعْلَمُ نَفْسِهِ وَمُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مَعْلَمِ النَّاسِ وَمُؤَدِّبِهِمْ (نهج البلاغه، حکمت ۷۳)؛ هر که خود را در مقام پیشوایی مردم قرار دهد، باید پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خود پردازد و پیش از آنکه به زبانش تربیت کند، با رفتار خود تربیت نماید و کسی که آموزگار و مربی خود باشد، بیشتر سزاوار بزرگداشت است تا آن که آموزگار و مربی دیگران است.

حضرت امام خمینی می‌فرماید:

خدا نکند انسان پیش از آن که خود را بسازد، جامعه به او روی آورد و در میان مردم نفوذ کند، خود را می‌بازد (جهاد اکبر، ۱۳۷۲، ۵۲).

ب. دارا بودن قدرت تبیین و تشریح مفاهیم دین، متناسب با زمان و سطوح مخاطبان: اگر پاسخ سؤالی را نمی‌داند، به‌درستی اعلام کند که نمی‌دانم، زیرا توجه‌گری، اثر منفی خواهد داشت.

ج. برخوردار بودن از فن بیان و سخنوری: یعنی ضمن پرهیز از به‌کار بردن اصطلاحات غامض و خسته‌کننده، مقتضای حال شنونده را رعایت کرده و از تنوع در گفتار بهره‌برد.

د. نباید موجب تضعیف و یا نادیده گرفتن ابعاد دیگر انسان شود؛ مثلاً غرائز و

امیال انسانی، نباید نادیده گرفته شود، بلکه باید مطابق موازین شرعی و الهی سوق داده شده و مبتنی بر اصل تعدیل، طبیعی، منطقی و قانونی در مدار خودشان به حرکت بی‌وقفه استمرار یابند. بنابراین، هر کسی نمی‌تواند در این دریای عمیق و بی‌کران غواصی کند و آموزش این فرهنگ را عهده‌دار شود زیرا که:

کسی مرد تمام است کز تمامی      کند با خواجگی کار غلامی  
بقیایی یابد او بعد از فنا باز      رود ز انجام ره دیگر به آغاز

(محمود شبستری، گلشن راز)

ه. محبّ و مشفق بودن: یعنی هم سعادت‌مندی افراد را دوست داشته و عشق بورزد و هم نسبت به انحرافات آن‌ها دل بسوزاند و این دو ویژگی را در وجودش اظهار نماید. محمد بن زکریای رازی، به دانشجویان پزشکی توصیه می‌کند: «واجب است که دانشجوی پزشکی، طب را برای جمع مال نخواهد، بلکه متذکر باشد که نزدیک‌ترین مردم به خدا، عالم‌ترین و عادل‌ترین و مهربان‌ترین آن‌ها به مردم است (روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۳۰۰۳، سال ۲۹).

و. احترام به شخصیت افراد در امر به معروف و نهی از منکر: مرتکبان منکر تا وقتی که متجاهر به فسق و گناه نشده‌اند و به‌طور آشکار خود را نیالوده‌اند، محترمند و نباید به هتک حرمت آن‌ها پرداخت.

ز. توجه داشتن به روش و شیوه تدریجی؛ یعنی نباید انتظار داشت که ره صد ساله، یک‌شبه طی شود.

ح. تشویق کردن به ارزش‌ها: یکی از امتیازات مکاتب الهی، تشویق به خوبی‌ها و ارزش‌هاست. قرآن کریم در سوره توبه، آیه ۱۰۳ به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد مردمی که زکات مالشان و صدقات را می‌پردازند بر آنها درود بفرست؛ زیرا درود تو مایه آرامش قلب‌هاست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز، از عامل تشویق در جهت پیشبرد اهداف، استفاده‌های زیادی می‌کرد. برای کسانی که دو رکعت نماز برای خدا می‌خواندند، جایزه تعیین می‌کرد (ره توشه راهبان نور، ۱۳۷۶، ۱۸۶).

ط. عدم آمیختگی آموزش معارف با مسائل سیاسی و جناحی: وابستگی دست‌اندرکاران امر آموزش معارف دینی به تشکیلات سیاسی و جناحی، گرایش‌های



نوآموزان و مخاطبان را در تأثیرپذیری و پذیرش معارف اسلامی تحت تأثیر قرار داده، در مواردی جبران ناپذیر می‌نماید.

ک. شناختن راه‌های اصلاح و تربیت صحیح از ناصحیح و غیر مؤثر: بر اساس آموزه‌های دینی، راه‌های اصلاح و تربیت سه صورت دارد که صورت سوم، منحصر به قرآن و از مؤثرترین و عالی‌ترین راه اصلاح و تربیت نفس است:

یک. از راه توجه داشتن و توجه دادن به منافع و آثار دنیوی: مثل این که گفته شود عفت و قناعت و صرف نظر کردن از آنچه در اختیار دیگران است، انسان را سربلند و در انظار مردم بزرگ می‌سازد و حرص و طمع، موجب خواری و تنگدستی است. این راه، همان راهی است که دانشمندان اخلاقی یونان و دیگر طرفداران آن‌ها، علم اخلاق را بر پایه آن استوار ساخته‌اند. ولی از نظر قرآن، این راه مطلوب نیست، زیرا اقتضای این روش این است که تمام توجه در انتخاب صفات خوب و بد، به انظار عمومی و پسند اجتماع باشد، در حالی که قرآن اگر پاره‌ای از منافع دنیایی را ذکر می‌کند، برای این است که آن، مقدمه منافع و آثار اخروی قرار می‌گیرد.

دو. توجه دادن به منافع اخروی: این معنا، کراراً در قرآن مجید دیده می‌شود مانند آیه ۱۱۱ سوره توبه ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾، آیات ۱۰ سوره زمر و ۲۲ سوره ابراهیم و ۲۳ سوره حدید و همچنین، آیه ۲۵۷ سوره بقره، اصلاح را از راه نتایج شریف اخروی که کمالات واقعی است نه خیالی، تعقیب می‌کند و اساس اصلاحات اخلاقی را کمالات واقعی‌ای که از قضا و قدر و متصف شدن به اخلاق خدا و توجه به اسماء حسنی و صفات عالیة الهی و امثال آن سرچشمه می‌گیرد، قرار می‌دهد.

سه. راهی است که در هیچ یک از کتب آسمانی و تعلیمات انبیاء که به دست ما رسیده، وجود ندارد و مختص قرآن است: انسان را از نظر روحی و علمی، طوری تربیت کنند و چنان معارف را در وجود او پردازند که با وجود آن، موضوعی برای رذایل باقی نمی‌ماند. مثلاً کسی که ریا می‌کند، یکی از دو علت بیشتر ندارد: یا می‌خواهد از این راه، کسب وجه و عزت در نظر طرف مقابل بکند و یا از قدرت او می‌ترسد. چنین کسی وقتی متوجه می‌شود که قرآن می‌فرماید: ﴿فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾

و ﴿أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾، موضوعی برای ریا و ظاهرسازی‌ها در او باقی نمی‌ماند. نه از کسی امید دارد و نه از کسی می‌ترسد (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۲۲ و ۲۳).

### ۳. مخاطبین و فراگیران معارف دین

سومین عنصر سیستم آموزشی، فراگیران و متعلمان معارف دین هستند که به اعتبارات مختلف (از حالات، روحیات، ویژگی‌های فردی و اجتماعی) دارای اقسام و دسته‌هایی هستند که باید مورد توجه قرار گیرد.

#### الف. تقسیم مخاطبین به اعتبار فضای ذهنی:

یک. مخاطب خالی الذهن: مخاطبی را گویند که در صفحه و لوح ذهن و فکرش، هیچ‌گونه شک و تردید نقش نبسته است. این‌ها، افرادی هستند که آمادگی زیادی دارند. دل‌های آن‌ها، آماده پذیرش حقایق و معارف بلند الهی است. این دسته از مخاطبین، بعضاً اگر به راه انحراف کشیده شده یا منحرف شوند، معلول قصور (جهل قصوری) و غفلت و یا عامل فشار است. مصادق این دسته، اگرچه شرائط سنی خاصی ندارند، اما کودکان، نوجوانان و جوانان از مصادیق بارز این دسته محسوب می‌شوند.

دو. مخاطبین مردد و شکاک: معمولاً روش کاربردی برای این دسته، روش قیاسی، فلسفی و کلامی است و یا هر روشی که شخص مردد را از تردید و شک بیرون آورد، مطلوبیت و کاربرد دارد.

توجه به این نکته لازم است که باید کاری کرد شخص مردد، فضای ذهن خود را از شک خالی کند. بنابراین، باید این جرأت را در فرد مردد بوجود آورد تا در پرتو آزادی بیان و به دور از انگیزه‌های دیگر، آن‌چه را در ضمیر نهفته و ذهن مردد و مشوش خود دارد، آزاد نماید وگرنه چه بسا ممکن است از مرکب جهل و شک بسیط پیاده شده و سوار بر مرکب جهل مرکب شود که در این صورت، پیاده کردنش دشوار است.

سه. مخاطبین منکر: افراد منکر از دو حال خارج نیستند؛ یا در اثر جهل و غفلت، انکار می‌کنند که داروی آن‌ها علم و معرفت است و همین که به واقعیت علم پیدا کنند، دست از انحراف و انکار می‌کشند، یا این که انکار آن‌ها ناشی از غرض و مرض بوده و بر انکارشان اصرار می‌ورزند و واقعیات را انکار می‌کنند، چراکه واقعیات را برای

منافع خود مضر می‌دانند. برخورد با این افراد باید بر اساس ضوابط قانونی و حقوقی انجام گیرد.

#### ب. تقسیم مخاطبین به اعتبار ذوق و حالات روحی و روانی:

یک. برخی از مخاطبین ذوق شعری دارند. بنابراین، تشکیل کانون شعر و ادب برای پیشبرد اهداف مقدس، مطلوب است.

دو. بعضی از افراد، ذوق هنرهای نمایشی دارند. برای فرهنگ پذیر کردن این گروه باید با زبان نمایش و تئاتر، مطلوب را تعقیب کرد.

به اعتقاد دانشمندان علوم تربیتی و نیز بر اساس نظریه روانشناسان تربیتی، یادگیری مشاهده‌ای از بهترین روش یادگیری و الگوپذیری است (قائمی مقدم، ۱۳۸۹، شماره ۶۹) و از آنجایی که هنر، معقول را به محسوس در قالب نمایش معرفی می‌کند، تأثیرات زیادی روی مردم، به خصوص قشر جوان دارد.

سه. تعدادی از افراد جامعه دانشگاهی هستند که ذوق فلسفی و کلامی، به خصوص کلام جدید دارند و مایل هستند حقایق کلامی را با زبان روز بفهمند.

چهار. گاهی اقتضاء می‌کند که باید با زبان قصه و رمان، اهداف را تبیین و تحقق بخشید.

پنج. کارساز نیست (که این خود، معلول علل و عواملی است که ذکر آن در این مقاله نمی‌گنجد) و لیکن اردوی زیارتی و سیاحتی و ملاقات با عارفان اهل دل برای آنها، تأثیر معجزه‌گونه دارد.

#### ۴. فضا و بستر آموزشی

ضرورت این عامل، به عنوان یک عامل سخت افزاری که باید در تمامی سیستم فرهنگی و آموزشی رعایت شود، بر کسی پوشیده نیست. فضا، باید یک فضای معقول و معنوی باشد. مقصود از فضا عبارت است از محیط و همه افراد شاغل در محیط و ابزار و امکانات مرتبط با فضای آموزشی و فرهنگی (شعبانی، ۱۳۸۳، ۲۲). بنابراین، نباید نقش مثبت و منفی متولیان امور در همه ابعاد و سطوح جامعه، نادیده گرفته شود.

## ۵. منابع آموزشی

برای تحقیق در مبانی دینی، راه‌هایی ارائه شده است که مهم‌ترین آنها، راه عقل و نقل است. عقل، پیرامون موضوعاتی مانند اثبات وجود خدا و برخی از صفات او و اصل نبوت و امامت و مسأله معاد و حسن و قبح اشیاء و نظایر آنها، حکم و استدلال کرده و در استخراج و دریافت ارزش‌های انسانی - الهی به عنوان عدل حجت ظاهری خداوند، عمل می‌کند. مقصود از نقل عبارت است از قرآن و عدل آن (یعنی سنت) و اجماع.

**الف. قرآن کریم:** مهم‌ترین منبع آموزشی در تبیین فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر برای اقشار مختلف و نسل جوان، عقل و نقل است. به‌طور کلی، می‌توان گفت که ریشه و کلیات احکام شرعی را باید در قرآن کریم و شرح و تفصیل و شاخه‌های آن را در سنت جست. قرآن کریم، در آیه‌های فراوانی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرده است که در این جا به برخی از این آیات می‌پردازیم:

- ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...﴾ (نحل / ۹۰).

از این آیه استنباط می‌شود که به خاطر اهمیت این دو فریضه، ذات اقدس الهی خود را به‌عنوان امر به معروف و ناهی از منکر معرفی می‌فرماید.

- ﴿يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (اعراف / ۱۵۷)؛ در این مرتبه، خاتم پیامبران حضرت محمد ﷺ به این عنوان انتصاب داده شده است.

- ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (حج / ۴۱)؛ در این آیه، وظیفه حاکمان صالح (امامان معصوم عليهم السلام) را اقامه نماز و پرداخت زکات و امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌نماید.

- ﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (آل عمران / ۱۰۴)؛ در این آیه، هیئت‌های صالحه را به این عنوان، منصوب فرموده است.

- ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (آل عمران / ۱۱۰)؛ در این آیه، مجموعه امت اسلام را موظف به انجام این فریضه الهی معرفی می‌فرماید.

ب. سنت: که عبارت است از فعل، گفتار و تقریر معصوم علیه السلام، اگر توجه عمیق به آن داشته باشیم، کاملاً روشن است که عدل قرآن، بلکه ترجمان قرآن کریم و تفسیر آن است، چراکه هر دو از یک منبع زلال ابدی و سرمدی جریان دارند. بر این اساس، برای پی بردن به اهمیت و جایگاه ارزشمند یک موضوع به مانند امر به معروف و نهی از منکر، لازم و ضروری است که فهم عمیق آیات قرآن در زمینه این دو فریضه الهی، از منظر سنت مورد بررسی قرار گیرد و در این جا، به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «... إذ لم یأمر بالمعروف ولم ینهوا عن المنکر... سلط الله علیهم شرارهم، فیدعوا عند ذلك خیارهم، فلا یستجاب لهم» (ابن شعبه، ۵۱)؛ (باید امر به معروف و نهی از منکر کنید) اگر نه خداوند بدکاران شما را به شما مسلط می‌کند و از آن پس، نیکان شما هر چه دعا می‌کنند، مستجاب نمی‌شود. مقصود این است که هیبت و شکوه آنان در نظر اشرار، از بین می‌رود، در نتیجه، اهمیتی به آن‌ها نمی‌دهند و از آنها نمی‌ترسند.

- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «الا أخبرکم عن أقوام لیسوا بأنبیاء ولا شهداء، یغبطهم الناس یوم القیامة بمنزلهم من الله عزوجل، علی منابرهم من نور. قیل: من هم یا رسول الله، قال: هم الذین یحبون عبادالله إلى الله ولیحبون الله إلى عباده. قیل: هذا حببوا الله إلى عباده، فکیف یحبون عباد الله إلى الله؟ قال: یأمرونهم بما یحب الله وینهونهم عما یکره الله، فإذا أطاعوهم، أحبهم الله» (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶، ۵۸۳/۲)؛ آیا آگاه نکند شما را از گروهی که از پیامبران و شهدا نیستند، در عین حال در روز قیامت به جایگاه الهی شان که بر منبرهایی از نور است غبطه می‌خورند، خبر بدهم؟ گفته شد: این‌ها چه کسانی هستند ای رسول خدا! فرمودند: این‌ها کسانی هستند که بندگان خدا را محبوب خدا می‌کنند و خداوند را نیز محبوب بندگانش می‌گردانند.

- ابوامامه باهلی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: «چگونه خواهید بود وقتی که زنان شما سرکشی کنند و جوانانتان فاسق شوند و شما جهاد را ترک کنید؟ عرض کردند: یا رسول الله، آیا چنین چیزی شدنی است؟ فرمود: آری، به خدایی که جان من در اختیار اوست، بدتر از آن خواهد شد، پرسیدند: یا رسول الله، بدتر از آن چیست؟ فرمود: چگونه خواهید بود وقتی که امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟

عرض کردند: یا رسول الله، مگر چنان چیزی می‌شود؟ فرمود: آری، قسم به آن جان من در دست اوست، بدتر از آن خواهد شد، عرض کردند: بدتر از آن چیست؟ فرمود: چگونه خواهید بود وقتی که معروف را منکر و منکر را معروف بینید؟ گفتند: یا رسول الله، آیا چنین چیزی ممکن است؟ فرمود: آری سوگند به آن که جان من در اختیار اوست، بدتر از آن خواهد شد، گفتند: بدتر از آن چیست؟ فرمود: چگونه خواهد بود وقتی که امر به منکر و نهی از معروف کنید، گفتند: یا رسول الله، آیا چنین چیزی می‌شود؟ فرمود: آری قسم به خدایی که جان من در دست اوست، بدتر از آن هم خواهد شد، خدای تعالی می‌فرماید: به ذات مقدسم سوگند خورده‌ام، آنان را به آشوبی گرفتار سازم که شخص بردبار هم سرگردان بماند» (مسند احمد، ۱۹۲/۳).

- عکرمه از ابن عباس نقل کرده که گفت: «رسول خدا ﷺ فرموده: مبادا نزد مردی بایستید که مظلومی را می‌کشد، زیرا لعنت خدا بر کسی نازل می‌شود که در آن وقت حاضر باشد و از او دفاع نکند (عبد العظیم المنذری، ۱۴۱۷، ۳/۳۰۴).

رسول خدا ﷺ فرمود: «سزاوار نیست برای کسی که در جایی شاهد حقی باشد، مگر این که آن حق را بازگو کند، زیرا گفتن حق نه باعث جلو آمدن اجل او می‌شود و نه هرگز او را از روزی حتمی خود محروم می‌سازد» (همان).

این دو حدیث، دلیل آن است که ورود به خانه‌ی ظالمان و فاسقان جایز نیست و حضور در جاهایی که منکر را در آن‌ها می‌بیند و توان از بین بردن آن را ندارد، روا نمی‌باشد، زیرا فرموده است بر کسی که در این قبیل جاها حاضر باشد، لعنت خدا نازل می‌شود و مشاهده منکر در جایی که نیازی به رفتن وی نبوده، با این بهانه که قدرت جلوگیری نداشته، جایز نیست. از این رو جمعی از گذشتگان، گوشه‌گیری را برگزیدند به آن دلیل که منکر را در بازارها و جشن‌ها و انجمن‌ها می‌دیدند، در حالی که نمی‌توانستند جلوگیری کنند و این امر خود، دوری از مردم را می‌طلبید.

- قیام سید و سالار شهیدان حضرت امام حسین علیه السلام که هدف از قیام خود را اجرای امر به معروف و نهی از منکر معرفی نموده و می‌فرماید: «... وإِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (حسینی قزوینی،

۱۳۶۲، ۵۰؛ من بدین هدف (از مدینه) بیرون آمدم که امت جد خویش را اصلاح نمایم و تصمیم دارم امر به معروف و نهی از منکر کنم. این سخن نورانی آن حضرت، بارزترین دلیل بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر است.

### ۶. کمک آموزشی

مثل اردو و دیدار با عارفان و اهل دلان و زیارت اماکن متبرکه، اجرای مسابقات فرهنگی و ورزشی، ارائه فیلم در زمان‌ها و مکان‌های مناسب، تأسیس خانه فیلم، تأمین نوارهای مذهبی ویدئویی و CD، پرکردن اوقات فراغت با راه اندازی و تأسیس اماکن و سالن‌های ورزشی، راه اندازی و تقویت کانون‌های علمی، فرهنگی، مذهبی و ادبی. اگرچه در همه جا و برای همه افراد، قابلیت تحقق ندارد، لکن در محیط‌های علمی و دانشگاهی، حتی برای تعدادی از افراد هم انجام پذیرد، به‌صرفه است.

### ۷. روش آموزش

کارآمدی روش‌ها بستگی به مقتضای زمان، مکان و شرایط مخاطبین دارد. این روش‌ها ممکن است قیاسی و برهانی، استقرایی و آماری، عرفانی، هنری، روش جدلی و مناظره‌ای در قالب کنفرانس و گفتمان دانشجویی و خطابه باشد و ما در این جا به برخی از این روش‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. روش استدلالی عقلانی: در روش استدلال عقلانی، که در واقع برای تنظیم و تبیین گزاره‌های دینی و پاسخ به شبهات، مورد استفاده قرار می‌گیرد سه نکته قابل ذکر است:

نکته اول: اگر پذیرفتیم که اهداف به‌کارگیری شیوه استدلال، تعقل و فلسفه جهت آموزش دین، تسنیق گزاره‌های دینی، تبیین آن‌ها و پاسخ‌گویی به شبهات است، در این صورت نباید با اعمال این روش به دنبال تولید ایمان، افزایش تقوی و آدم‌سازی بود. این‌گونه ایده‌آل‌ها، در زمره اهداف پیش‌بینی شده قرار ندارد. بنابراین، نباید از افرادی که با این روش، دین‌آموز و معارف‌شناسی و معروف‌پذیری می‌کنند، توقع داشت که نماز شب بخوانند و یا اهل ندبه شوند و در تمام مراسم مذهبی با شور و نشاط شرکت نمایند.

با این روش، گزاره‌های دین، تبیین و واژگان امر به معروف و نهی از منکر در بُعد اندیشه‌های نظری و عملی توضیح داده و شبهه‌های مخاطبین، پاسخ داده می‌شود. در این زمینه، سه هدف دنبال می‌شود. اول این که فرد مردّد، منکر و یا غیر مؤمن، مؤمن گردد. دوم این که فرد مؤمن، ایمانش تقویت و دوچندان شود و سوم این که ایمان شخص مؤمن کاهش نیافته، سست و متزلزل نگردد.

نکته دوم: این روش، مخاطبین خاصی دارد و شامل عامه مردم نمی‌شود و تاریخ کلام و فلسفه، گواه این مدّعاست. بنابراین، متولیان این امر از تعمیم مباحث عقلی و فلسفی به سطح همه افراد، باید پرهیز نمایند.

نکته سوم: در پاسخ به شبهات به روش عقلی و فلسفی، باید به این نکته توجه شود که شبهه و سؤال متناسب با هر دوره‌ای، متفاوت است، لذا بخشی از تلاش متولّی این امر باید این باشد که شبهه‌ها و سؤالات را اولاً از منابع اصلی و ثانیاً فعالانه (نه منفعلانه) و ثالثاً متناسب با سطح شبهه، شناسایی کرده و با استفاده از منابع اصیل دینی و استدلال‌های استوار عقلی و منطقی، پاسخ دهد.

ب. روش استدلال نقلی: یکی از شیوه‌های مهم در موضوع امر به معروف و نهی از منکر، آگاهی دادن به مردم از طریق استدلال نقلی، یعنی قرآن، سنّت و اجماع است، زیرا بسیاری از مردم در اثر عدم اطلاع از دستورهای پروردگار و عدم آگاهی به قرآن و سنّت، به سوی منکرات تمایل پیدا می‌کنند، اما اگر به آنان کاملاً توضیح داده شود که خداوند چه کارهایی را دوست دارد و چه اعمالی را نمی‌پسندد، بسیاری از مردم، از ارتکاب منکر خودداری می‌کنند. استدلال به آیات قرآن، در سیره و روش ائمه معصومین علیهم‌السلام، فوق‌العاده مرسوم است.

بنابراین، آمران به معروف و ناهیان از منکر باید کسانی باشند که به قرآن و سنّت آشنایی داشته تا در صورت لزوم از کلام الهی و احادیث ائمه معصومین علیهم‌السلام بهره گیرند و آگاهی‌های لازم را در زمینه عواقب دردناک و خانمان‌برانداز منکرات و رابطه معروف با شکل‌گیری جامعه سالم به دست آورده و به مخاطبان خود عرضه کنند.

ج. روش عرفانی: تاریخ عرفانی اسلامی و ایرانی، سرشار از مواردی است که مردمان، درمان دردهای خود را پیش عارفان می‌بردند و از آنان یاری می‌جستند. این



روش اگر خوب به کار گرفته شود، زیباترین و عالی‌ترین روش است. لکن، در این روش توجه به دو نکته ضرورت دارد: نکته اول؛ چون امروزه نحله‌ها و اندیشه‌های بسیار متنوع اما غیر دینی، بلکه ضد دینی مثل عرفان بودا، چینی، شنتو و عرفان سرخ‌پوستی رواج یافته است، از یک طرف احساس نیاز به عرضه عرفان ناب اسلامی فزونی یافته است، لذا باید دست به کار شد و از سوی دیگر، ورود در این مسیر، قدم گذاردن بر لب دره‌ای عمیق است، لذا باید احتیاط کرد. نکته دوم؛ در عرفان اسلامی در کنار حرف‌های بلند و نورانی، سخنان آلوده هم کم نیست. به قول علامه طباطبائی «ابن عربی، بلندترین اندیشه‌ها را در جهان اسلام مطرح کرده است، مزخرف‌ترین حرف‌ها هم مال اوست» (مجله پگاه، شهریور ۱۳۸۲، شماره ۱۰۳)، لذا باید در تشکیل سخنرانی‌های عرفانی دقت کرد تا عرفان ناب را با پالایش درونی به دست آورد.

د. روش هنری: روش هنری، قالب‌های مختلفی دارد و می‌توان برای آن نمونه‌های مختلفی بیان کرد که از جمله، زبان قصه و رمان است.

یکی از شیوه‌های زیبا و مؤثر قرآن، شیوه تمثیل و قصه‌گویی است که در آن بیش از ۷۰ قصه، که ۲۷ قصه مربوط به انبیای الهی و احسن آنها، قصه حضرت یوسف و تعداد آیات مربوط به قصص، ۱۵۰۰ آیه است. در اهمیت زبان قصه و رمان در روش هنری، می‌توان نمونه‌هایی را به عنوان شاهد ذکر کرد:

یک. قرآن کریم به ما می‌آموزد که مسائل اعتقادی را می‌توان محسوس نمود و در قالب مقوله‌های هنری به مخاطبین عرضه داشت و این، دقیقاً همان کاری است که امروزه بیگانه‌ها انجام می‌دهند. آثار افرادی همچون راسل، سارتر، بکت، کوندرا، اوانامونو، کوئولو و ده‌ها نویسنده دیگر، بهترین شاهد این مدعا است. کارتون‌هایی نظیر دوقلوهای افسانه‌ای، پینوکیو، بابا لنگ‌دراز و ای کیوسان، همه حاصل یک فرهنگ و تمدن هستند. کارتون دوقلوها، به مخاطب این اندیشه را القاء می‌کند که اتحاد دو ناهم‌جنس و تمرکز آن، قدرت می‌آورد و این، خلاصه تفکر بودا است. کارتون پینوکیو، یک دوره سیر و سلوک و عرفان مسیحیت است و کارتون ای کیوسان، تداعی کننده عرفان یوگا است (همان، اردیبهشت ۱۳۸۱، شماره ۴۶).

دو. بهره‌مندی از روایات: در این جا، تنها به ذکر یک نمونه بسنده می‌شود. روایت

شده است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سوره «فصلت» را برای یکی از سرکردگان فساد تلاوت می‌کرد تا به آیات ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ رسید، لرزش شدید سرپای شخص مفسد را فراگرفت و با پریشانی و خودباختگی پیامبر را سوگند داد که از تلاوت آیات بازایستد. سپس با حالی دگرگون نزد قوم خود بازگشت، چنان که دیگر آثار عناد و استکبار در چهره‌اش پیدا نبود (همان).

سه. فرهنگ اسلامی ایرانی: قصه‌گویی، نقالی‌ها، پرده‌خوانی‌ها، تعذیه‌گویی‌ها و... نمونه‌هایی از این فرهنگ است که خاستگاهی جز دین و قرآن ندارد.

چهار. شاهکارهای ادبی ایرانی اسلامی از شاهنامه، افسانه‌های مثنوی، حکایات گلستان و بوستان، داستان‌های کلیله و دمنه و نمونه‌های دیگر، نشان‌های بارزی از نفوذ و تأثیر عظیم فرهنگ داستان‌پردازی در جامعه دینی ما بوده و هست.

پنج. این که اهتمام به قصه تا بدان حد بود که حتی سرآمد نوابغ و فیلسوفان، یعنی ابن سینا، عاقبت به این روش روی می‌آورد و دو قصه «سلامان و آبسال» و نیز «رساله الطیر» را می‌نگارد (همان).

شش. بسیاری از متفکران و اندیشمندان، دریافته بودند که بهترین، آسان‌ترین و سودمندترین شیوه تعلیم و تربیت، فرهنگ‌سازی و تزکیه و پرورش، روش تمثیل است. خلاصه این که، هنر به دلیل داشتن قالب‌ها و زبان‌های متعدد، چیزی نیست که عده‌ای او را نطلبند، بلکه به مزاج و ذوق هر کسی متناسب است.

هه. روش زبانی: مهم‌ترین رکن در تأثیرگذاری زبان، در این است که مبلغ معارف اسلامی، از موضوعات و مسائلی بگوید که خود، به آن‌ها عمل کرده باشد. حتی آن دسته از احکامی را که تاکنون مبتلا به او نبوده، در قالب امر به معروف و نهی از منکر، به کسی نگوید.

یکی از عوامل مهم در انحطاط و انحراف جامعه، این است که مبلغین دین و دست‌اندرکاران امور دینی، زبان و عملشان مطابقت نکند و به قول شهید دکتر بهشتی «انحطاط تشیع، از زمانی پدید آمد که زبان، درازتر و عمل‌ما، نارساتر شد» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۰/۷/۲۱). امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ، لِيُرُوا مِنْكُمْ اَلْوَرَعَ وَالْاِجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ، فَاِنَّ ذَلِكْ

داعیه... (مجلسی، بی تا، ۱۴۹/۱۲): مردم را به غیر از زبانتان به خدا دعوت کنید، زیرا هرگاه آنان از شما تقوی و تلاش در راه خدا و اقامه نماز و... را ببینند، به راه حق گرایش پیدا خواهند کرد.

در روش زبانی، اگر تبلیغ احکام و الگوهای دینی، به صورت گفتگو مطرح شود، باید نسبت به شناخت ویژگی های فردی و اجتماعی مخاطب توجه داشت، زیرا در روش زبانی، مقصود، تحقق امر یادگیری است. بنابراین، باید متناسب با روش یادگیری انجام بگیرد و عوامل مؤثر در یادگیری لحاظ گردد که اهم آن عبارت است از:

- آمادگی: یعنی دارا بودن رشد کافی در زمینه های مختلف دینی (شریعتمداری، ۱۳۴۲، ۳۲۷).
- توجه به تجربیات قبلی: یعنی قبل از آن که امر به معروف نماید، باید ببیند که او از معروف، چه چیزی می داند. تجربیات قبلی مخاطب که شکل یافته از عوامل متعدد زمانی، مکانی و شخصیتی اوست، عامل مؤثر در آمادگی و یادگیری است که بیشتر، مربوط به محیط خانواده و سطح تربیت والدین می باشد.
- توجه داشتن به موقعیت یادگیری: یعنی لحاظ کردن عوامل مادی و معنوی که در جریان یادگیری تأثیر دارد. مثل مکان گفتگو، نوع راه رفتن مخاطب، نوع گوش کردن و طرز نشستن و طرز تفکر و تمایل شخصی.
- الثفات به فعالیت یادگیرنده: قابل ذکر است که حافظه، دقت، تفکر و هوش، همه آن ها به عوامل یادگیری مربوط می شود (همان). بنابراین وقتی مربی با یک جوان، پیرامون موضوعات و مسائل دینی گفتگو می کند و قصد ارشاد و الگوپذیری او را دارد، علاوه بر لحاظ کردن عوامل یادگیری، باید ویژگی های او را بشناسد و آن گاه متناسب با «روش یادگیری» با او رفتار نماید.

و. مهم ترین ویژگی های جوان امروزی:

- یک. بسیاری از جوانان امروزی، از تعلیم مستقیم امور تربیتی و اخلاقی متنفرند، خصوصاً اگر آنان مشخصاً مورد اشاره گوینده باشند. این ویژگی جوان، قابل تطبیق با زبان قرآن است. قرآن غالباً در نکوهش و مدح افراد، اشاره تصریحی ندارد و بلکه دارندگان صفت پلیدی را، نکوهش و صفت نیک را، مدح می کند: ﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾ (همزه / ۱)، ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾.

دو. جوان عصر حاضر از رمز و راز و از پس پرده‌گویی، بیشتر لذت می‌برد. به همین جهت، در تماشای فیلم‌ها و خواندن کتاب‌ها بیشتر دقت می‌کند تا بر زوایای پنهان آن پی‌برد. قرآن نیز، در خود راز و رمزهای فراوانی دارد. وقتی این کتاب مقدس برای جوان امروزی که از راز و رمز خوشش می‌آید، معرفی شود، طبیعتاً هر کسی که با زبان قرآنی با او حرف بزند می‌پذیرد.

سه. جوان عصر حاضر، واقع‌گرا و اندیشه‌ای رئالیستی دارد. پس باید برای او واقعیت‌ها را بیان کرد. زبان قرآن و سنت، چون واقع‌گرا است، اگر به‌درستی برای جوان بیان گردد، استقبال می‌کند.

چهار. جوان امروزی، اهل شبهه است. بنابراین وقتی شبهه جا باز می‌کند که شبهه‌کننده، موضوع مورد شبهه را بشناسد و بر رموز آن آگاه گردد. بنابراین، افرادی را می‌طلبند که شبهات جوان امروزی را شناخته و با استدلال و روشی منطقی پاسخ دهند. زبان قرآن، ما را به این ویژگی توجه داده و روش برخورد را نیز بیان فرموده است. آنجا که می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل / ۱۲۵).

پنج. جوان عصر حاضر، عدالت‌خواه و در پی آزادی است. او می‌خواهد در پرتو آزادی اندیشه، حقایق را تحصیل و باورهای نادرست خود را اصلاح و تکمیل نماید و لذا، باید به این عنصر فوق‌العاده توجه شود. در قرآن و سنت، از آزادی بیان و اندیشه و اختیار و اراده آزاد انسان، بسیار سخن گفته و توجه شده است.

شش. جوان امروز، امور تعبدی محض را قبول نمی‌کند و به دنبال چراها می‌گردد. زبان قرآن نیز متناسب با این آزادی است، زیرا قرآن هیچ‌گاه انسان‌ها را به تعبد محض دعوت نکرده است. اساساً از نظر قرآن، ایمان مبتنی بر معرفت است و ایمان منهای معرفت را نمی‌پذیرد و این حقیقت را در قرآن می‌خوانیم که می‌فرماید: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ...﴾ (بقره / ۲۵۳).

هفت. جوان عصر حاضر به برکت پیشرفت فناوری، قدرت تخیل زیادی پیدا کرده است.

هشت. جوان امروزی می‌خواهد چون کارآگاهان، از قرائن و شواهد خیلی دور،

واقعیت را بیابد. زبان قرآن به این ویژگی نیز پاسخگو است.

قرآن کریم نشانه‌های خیلی دور از اشیاء را بیان کرده است. مثلاً در ۱۴۰۰ سال قبل به پدیده لُفاح درختان اشاره کرده ﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَافِحَ﴾ (حجر / ۲۲) و حرکت زمین و کوه‌ها را مطرح کرده است. ﴿وَوَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ﴾ (نمل / ۸۸)، کرویت زمین ﴿رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ﴾ (الرحمن / ۱۷)، ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ﴾ (معارج / ۴۰) و خلاصه این که، واقعیت‌های زیادی را بیان نموده است که ﴿وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (انعام / ۵۹).

بنابراین، اگر روش مریبان و معلمان معارف الهی، متناسب با ویژگی‌های جان باشد، بدون شک جوان عاشق و مستعد بالفطره، گریزان از دین و قرآن و عترت نمی‌شود. از آنجائی که برخی از کارشناسان امور دینی، بدون شناسایی ویژگی‌های جوانان امروزی، معارف الهی را به صورت تعبدی و آمرانه به آن‌ها تعلیم می‌کنند، در نتیجه جوانان، نسبت به دین و معارف اسلامی رغبت نشان نمی‌دهند و به همین جهت می‌پنداریم که جوانان، دین‌گریزند، در حالی که با دلایل متقن و شواهد قوی، ثابت است که ممکن است جوانان، از بسیاری از کارشناسان دین و دینداران، گریزان باشند، اما از دین‌گریزان نیستند.

### ب. تبلیغات

دومین عامل از عوامل نهادینه‌سازی امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ عمومی جامعه، تبلیغات است؛ مثل فضا سازی معنوی و تقویت مراکز فرهنگی و دینی، معرفی شخصیت‌های علمی و دینی، تشکیل همایش‌های دینی، توسعه کانون‌های دینی و مذهبی و جلسات دینی و پرسش و پاسخ.

### ج. عامل روانی و اجتماعی

فراگیری هر چیزی و انجام هر نوع عملی، وابستگی صد در صد به آرامش روانی دارد و با بحران روانی، هیچ حرکت مثبتی آغاز نشده و به سرانجام نمی‌رسد. بنابراین، عوامل بحران روانی و اجتماعی باید شناخته، برداشته و خنثی شود تا کار فرهنگی نتیجه

مطلوب بدهد. در حقیقت، فرهنگ‌سازی که مقدم بر کار فرهنگی است، یکی از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مهم و درجه اول آن، به وجود آوردن آرامش روحی، روانی و مبارزه با بحران‌های روحی است. از جمله مهم‌ترین بحران‌های روحی و روانی که می‌تواند در انسان به خصوص جوانان، مانع ایجاد کند و گرایش او را در جهت اندیشیدن و پذیرش معارف و فرهنگ پذیری تضعیف نماید عبارت است از:

۱. عدم شغل: پایان دوره تحصیلی و اتمام مرحله تکمیلی علم، اشتغال است، زیرا دانشجو، دانش فرا می‌گیرد تا ضمن خدمت به جامعه، از دستاوردهای علمی خود بهره ببرد. انگیزه شغلی و نیاز به کار و اشتغال از انسان جداناپذیر است. زیرا زندگی که مجموعه‌ای از کار و تلاش است، یک واقعیت فطری و غریزی انسان است و تکاملش در پرتو امنیت خواهد بود. بدین جهت است که امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «ثلاثة يحتاج الناس طراً اليها، العدل والأمن والخصب» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ۳۲۰) مقصود از خصب، یعنی اشتغال و فراوانی و تأمین معیشت.

۲. عدم امنیت شغلی: ناکافی بودن و یا ناکارآمدی قانون کار و نبود نظام سازمان‌یافته تأمین شغل، در روان انسان ایجاد اختلال نموده و نظم و آرامش او را به هم می‌ریزد.

۳. عدم هماهنگی شغل با تخصص: به فرض، اگر آینده شغلی تأمین باشد و با واسطه‌های مختلف بتواند کاری جور کند، این کار به دلیل عدم تناسب با تخصص و مسئولیت کاری، روح رغبت و تمایل به کار را تضعیف می‌کند و این عدم رغبت، از جمله عوامل تشدید کننده بحران روحی و روانی است.

۴. عدم عدالت اجتماعی: عدل یعنی «وضع شیء فی موضعه» یعنی هر چیزی در جای خودش. اگر جوان امروزی ببیند که مدیران و مسئولان کشور در جای خود قرار ندارند و ناشایستگان جای صالحان را اشغال نموده و محصول آن، جز قربانی شدن عدالت اجتماعی، ترویج تبعیض، استفاده سوء از بیت المال مسلمین در حوزه‌های مالی و کاری نخواهد بود، در نتیجه او نیز مانند آن‌ها، جامعه‌پذیر شده و به روش و اخلاق آن‌ها عادت می‌کند. طبیعی است، چگونه می‌شود در چنین محیطی بحران‌زا و فضای فکری مضطرب، امر به معروف نموده و ارزش‌های دینی را در اندیشه و جان چنین افرادی جای داد؟! مگر که معجزه شود.

۵. تأمین هزینه زندگی و تحصیل: یکی دیگر از عوامل بحران آفرین و تشویش و اضطراب روحی، تأمین هزینه زندگی و تحصیل است. این عمل، راه فکر کردن و اندیشیدن در قلمرو معارف و فرهنگ دینی را اگر مسدود نکند، ایجاد فشار و بی‌توجهی می‌کند. خلاصه این‌که، این‌ها موانعی است که اگرچه برای همگان عمومیت ندارد، با این حال، عامل تقویت‌کننده بحران روحی و روانی برای بسیاری از افراد به حساب می‌آید. با این بحران، میل و انگیزه تضعیف شده و گرایش به معنویات کاسته می‌شود.

۶. عدم صداقت: یکی دیگر از عوامل بحران آفرین روح و روان، عدم صداقت برخی از مسئولین و دست‌اندرکاران امر است. مثلاً، وعده‌های کلان بدهند، ولی عمل نکنند، چه بسا که وعده‌های انجام‌نگرفته و شعارهای بی‌عمل، شکل دروغ پیدا می‌کند و از گناهان کبیره است و برکت را از وجود انسان در تأثیرگذاری کلامش بر روی دیگران، زایل می‌کند.

جوانی که مخاطب ماست، یک انسان است با کانونی از احساسات، غرور جوانی دارد و با جوان عصر جاهلیت و دیروزی، تفاوت بسیار زیادی دارد. جوان امروزی، روی قول و وفا و تعهدات بسیار حساس است. او سخن بدون پشتوانه اجرایی را در قالب‌های قصه، رمان و حماسی نمی‌پذیرد، او انسان دلیل‌پذیر و عقل‌گرا و اهل وفا و صداقت است. عدم صداقت، عاملی است که نه تنها شخص گوینده، برنامه‌ریز، مدیر و مسئول فرهنگی را ضایع می‌کند، بلکه اثر مخرب برای دین و معارف اسلامی دارد. این است که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف / ۲)؛ چرا می‌گویید چیزی را که عمل نمی‌کنید؟!!

و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کونوا دعاة الناس بغير ألسنتکم» (مجلسی، همان)؛ مردم را با عمل خود به معارف الهی دعوت کنید نه با زبان. بنابراین، هرگاه مسئولین و دست‌اندرکاران، از نظر ایمان، اعتقاد و صداقت به جایی رسیدند که مقرون به بیان معصوم علیه السلام و مصداق قرآن و سنت نبوی شدند، در این صورت آنچه بگویند، تعریف کنند، فرهنگ‌سازی نمایند و ارزش‌های دینی را در جامعه تبلیغ نمایند، نوعاً از آن‌ها پذیرفته و حمایت نیز می‌شوند.

نفس خود ناکرده تسخیر ای فلان  
 نفس را اول برو در بند کن  
 منبر بگذار بهر خود نخست  
 آتش بر دل برافروز آنگهی  
 تا زسوز دین نگردد دل کباب  
 تا تو را سوزی نباشد در جگر  
 چون کنی تسخیر نفس دیگران؟  
 پس برو آهنگ و عظم و پند کن  
 وانگی برج به منبر تند و چست  
 گرم کن هنگامه و عظم ای رهی  
 دم نگردد گرم ای عالی جناب دم  
 مزن کاندرد دمت نبود اثر  
 (ملا احمد نراقی، ۱۳۸۱، ۲۸۲)

۷. عدم اخلاص: یکی دیگر از عوامل بحران‌ساز که آرامش روانی را به هم می‌ریزد، عدم اخلاص است. کسانی باید ارزش‌های دینی را به دیگران معرفی و تبلیغ کنند که آن‌ها را برای خدا بخواهند، نه برای خود، یعنی مصداق «إِنِّي أُرِيدُكُمْ اللَّهُ» باشند. این جاست که کلام گوینده، طیب و محیط و مخاطبین کلمه، طیبه می‌شوند. آری، آن‌چه از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند، چرا که حقیقت جمال و جلال الهی از دل انسان متعهد، متدین و عاشق، بر زبانش جاری می‌شود و این سخن، سنگ را نرم می‌کند تا چه رسد به دل آدمی!

دل صافیست که مرا جمالست و جلال  
 دل عارف بود آئینه حق  
 جلوه گاه ملکوت ازلی و ابدیست  
 از این دل گفته‌ها گردد محقق  
 ۸. یکی دیگر از بحران‌های روحی انسان، نیافتن مرکز و کانونی است که بتواند عقده‌های دل خود را باز کرده و عقاید و دیکته‌های عقیدتی دیگران به خودش را پالایش کند و برای سؤالات پیچیده خود، پاسخ بیابد.

#### د. عامل سیاسی

چهارمین عامل در تحقق عینی فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و نهادینه‌سازی آن، عامل سیاسی است. متولیان این امر، نباید گروه خاص و یا تشکل خاصی باشند. چه این‌که، تشکل‌ها هرچند که در ظاهر، اظهار برادری و علاقه نسبت به یکدیگر نمایند، اما به دلیل وابستگی سیاسی و تشکیلاتی، محدود بوده و آزاد نیستند و بدین جهت، ممکن است آن علاقه و اظهار دوستی، تحت الشعاع خواسته‌های



سیاسی و خارجی قرار گیرد. آزادی اندیشه، معلول استنباطات عقلانی است و تاریخ سیاسی نظام‌ها و حکومت‌ها نشان داده است که هیچ تشکّل و گروه سیاسی وجود ندارد که عقل خود را از همه قید و بندهای عواطف، احساسات، تخیلات، توهمات، تعصبات و عقاید افراطی و تفریطی، آزاد کرده باشد تا در استنباطات به نتیجه مطلوب، مؤثر و مفید به حال فرد و جامعه برسد. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد تبلیغ و ترویج ارزش‌های دینی و فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، به صورت فراجناحی و فراتشکلی انجام بگیرد و در محیط دانشگاهی، به عهده شورای فرهنگی که متشکل از همه گروه‌های فرهنگی و سیاسی و مدیریت فرهنگی و نهاد رهبری است، گزارده شود.

### ه. اقتصادی

به نظر می‌رسد، از جمله مهم‌ترین عوامل در تحقّق و عینیت بخشیدن ارزش‌ها، فضائل دینی، عامل اقتصادی است. منابع معتبر اسلامی یعنی قرآن، سنت و عقل، اهمّیت زندگی مادی و بهبود اقتصاد جامعه را به اندازه‌ای مورد تأیید قرار داده است که اگر کسی برای مطالعه در اسلام‌شناسی، نخست به شناخت مسائل و اصول اقتصادی اسلام وارد شود، گمان خواهد کرد که اسلام یک دین اقتصادی محض است و تنها به بُعد مادی انسان‌ها اهمیت می‌دهد. بدون تنظیم مالکیت به‌عنوان وسیله زندگانی در اجتماع و بدون تفسیر ماهیت و توجیه صحیح پول، خوراک، پوشاک و لباس، مسکن، دارو و سایر لوازم حیات و فراهم کردن اسباب زندگی مشترک، چه اخلاقی و چه معنوی!، کدامین عبادت و اعتلای روحی را از انسان‌ها می‌توان توقع داشت؟! این جاست که شخصیتی مثل امام علی علیه السلام، وقتی زمام حکومت را در دست می‌گیرد، به مردم و امت خویش اعلام می‌دارد که شما را بر من حقّی است از جمله (حقّی که حائز درجه اول است) تنظیم مسائل اقتصادی شماسست. اهمّیت مسائل اقتصادی و معیشتی از چنان مرتبه‌ای برخوردار است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دعاهای روزانه خود این دعا را می‌خواند: «اللهم بارک لنا الخبز فإِنَّه لولا الخبز ما صلینا ولا صمنا ولا أدینا فرائض ربّنا» (حکیمی، ۱۳۸۰، ۲۹۱/۳)؛ یعنی بار خدایا، نان را برای ما مبارک کن، زیرا اگر نان

نباشد، نه نماز می‌خوانیم و نه روزه می‌گیریم و نه فرائض پروردگاران را انجام می‌دهیم.

بنابراین، حیات که بدون مادیات و وسایل معیشت، حتی یک لحظه توانایی بقا ندارد، پس آن مکتب و نظامی که می‌خواهد انسان را در گذرگاه حیات، به رسیدن به روح انسانی الهی نایل سازد، اولین قانون ضروری آن عبارت است از تنظیم مادیات و مسائل اقتصادی جامعه. مشکل اقتصادی، راه تفکر و اندیشه را مسدود کرده و یا منحرف می‌کند. آری، فرهنگ دینی مکتب عشق است که جز دل، چیزی را یارای آن نبوده و دستی بر آن نیست، اما راه دل، از راه اندیشه می‌گذرد. عشق حقیقی، یکی از مراحل تکاملی نفس است و عقل و ادراک نیز چنین است، لکن مقام عشق فراتر از مقام اندیشه است، یعنی نفس در مسیر تکاملی‌اش تا جایی می‌تواند پیش رود که جمال یار می‌بیند و از دست او شراب می‌نوشد.

جمال یار ندارد حجاب غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

زخم دل عاشق باکش را جز مرهم وصل هیچ مرهم نیست

(دلنامه و خداینامه، ۱۳۷۷، ۲۱).

وقتی راه اندیشه بسته شود، راه تخیلات، توهمات و جهل و نادانی بروز می‌کند که انسان را غافل خواسته‌های نفس شوم و پلید شیطانی می‌کند.

### و. عامل کنترل و نظارت

عصری که در آن زندگی می‌کنیم، عصر ارتباطات است و جهان را به یک دهکده جهانی تبدیل نموده است و تمام فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، علمی و... کشورهای اروپایی، آمریکایی و غیره از راه‌های مختلف از جمله شبکه اینترنت، تلگرام، اینستاگرام و غیره در همه کشورهای جهان، از جمله کشور ایران اسلامی محسوس و مشهود و در دسترس قرار گرفته است. به علاوه این که، فیلم‌های انحرافی و مبتذل از راه‌های مختلف در دسترس جوانان قرار دارد. این‌ها، همه عواملی هستند که درصد تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه، بسیار تنزل داده و بعضاً خشی‌کننده این فرهنگ نیز خواهد بود. بنابراین، ضمن برخورد فعالانه با ابتذال

وارداتی (اعم از ارادی و غیر ارادی)، باید مراکز فرهنگی و سایت‌های اینترنتی و نظایر آن تحت کنترل باشد. ممکن است گفته شود، اگر فرهنگ با لحاظ کردن همه عوامل ذکر شده به نحو مطلوب انجام بگیرد، دیگر چه اصرار داریم بر کنترل رسانه‌های ارتباط جمعی و سایت‌ها و شبکه‌های اینترنت و ایستگاه‌ها و گیرنده‌های ماهواره‌ای؟! آری، محیط و زمینه، هم چنان که از عوامل سازندگی و تکاملی به حساب می‌آید، از عوامل انحراف و کجروی‌ها نیز محسوب می‌شوند، اما این محیط و زمینه ابتدال، افراد زیر را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد:

نخست؛ کسانی که جاهل و غافل هستند. انسان جاهل و غافل، آسان‌تر طعمه شکارچی ابتذالات و انحرافات قرار می‌گیرد. چنین فردی، عینیت آن، تابع محیط خواهد بود. اما اگر عالم باشد و در وجودش، شناخت واقعی به اثرات دنیوی و اخروی حاکم باشد، چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند «العالم بزمانه، لا تهجم علیه اللوابس»؛ یعنی گرفتار شبهه نمی‌شود و امور بر او مشتبه نمی‌گردد (کلینی، ۱۳۶۷، ۲۷/۱).

یعنی، عالمی که زمان‌شناس باشد و از رازها و حیل‌ها و راه کارهای ظالمان و ستمگران و جهانخواران و ستمگران آگاه باشد، در دام‌هایی که آن‌ها برایش می‌نهند، نمی‌افتد و اموری که آن‌ها مشتبه می‌سازند تا او حیران و گمراه گردد، او را به حیرانی و گمراهی نمی‌اندازد و نقشه‌های آن‌ها را می‌شناسد و دست آن‌ها را از پس وقایع می‌بیند و تهاجمات، اندیشه‌ها و افکار شیطانی، رسالت و پیام مکاتب التقاطی و انحرافی حاکم بر محیط، در وجود او تئیرگذار نیست. نمونه آن از مردان و زنان، در تاریخ اسلام و ادیان الهی زیاد است و افلاطون، حکیم یونان باستان چه زیبا گفته است که سعادت و خوشبختی، تنها یک معیار ثابت و مطلق دارد و آن علم و معرفت است. پس علم می‌تواند یکی از عوامل کنترل، به حساب آید. البته مقصود از کنترل، عاملی است که بیرون از وجود انسان است و اعمال و فعالیت‌های او را تحت کنترل قرار می‌دهد و هر انسانی، قبل از آن که به کمال برسد و موجودی ایمانی شود، عامل کنترل برای او ضرورت دارد. اما بعد از آن که تکامل یافته و موجودی ایمانی شده است، او دیگر نیاز به عامل کنترل بیرونی ندارد، بلکه خود در درونش، چنین عاملی را پرورانده است.

دوم؛ افرادی که زمینه مذهبی ندارند: برای این افراد، قبل از پرداختن به تبلیغ و

تعلیم معارف و ارزش‌های دینی، ایجاد بستر و فضا برای توسعه و ترویج حلال و مباحات ضرورت دارد، چراکه سنن الهی و سنت پیامبر ﷺ و ائمه معصومین از آنجائی که اغراض و منافع شخصی در میان نیست، به حکم عقل، باید هایش مصلحت آفرین و نبایدهایش مفسده آور است. دین، قبل از آن که به نبایدها پردازد، اول بایدها را بیان فرموده است. قبل از آن که محرمات را به زبان آورد، قبلاً مأموریه‌ها را رواج و معرفی فرموده است و قبل از ذکر حرام و بیان احکام آن، اول حلال را مشخص و فلسفه‌اش را بیان فرموده است، چراکه همیشه و در همه جا، چیزی که اصالت دارد، تقدم وجودی دارد. بنابراین، مصالح و حقایق اصالت دارند، پس تقدم وجودی دارند و مفسد و شرور، به مثابه کف‌های روی آب و یا کف‌های پوشیده شده روی طلای ذوب شده است و آن جا که حق و مصلحت توجه نمی‌شود، باطل و مفسده بروز و ظهور پیدا می‌کند.

بنابراین، نظارت و کنترل به معنای این نیست که با چشم تیزبین و مسلح، همواره رفتار و کردار افراد تحت نظر قرار گیرد، بلکه یکی از راه‌های نظارت، همان‌طور که در بند الف ذکر شد، آموزش و شناخت افراد است و راه دیگر آن توسعه حلال‌های الهی و مباحات دینی است.

### ز. عامل بازدارندگی

قانون و ضوابط و آئین‌نامه‌ها، باید از آنچنان پشتوانه‌ای برخوردار باشند، که در پرتو آن، نیازهای ضروری انسان، یعنی عدالت و امنیت و آزادی معقول و مشروع انسان‌ها تأمین شود. امام هفتم علیه السلام سعادت و سلامت جامعه و افراد آن را در پرتو سه اصل بیان می‌فرماید: «إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمَرْحُومُونَ، مَا تَحَابُوا وَأَدَّوْا الْأَمَانَةَ وَعَمَلُوا الْحَقَّ» (مجلسی، ۱۱۷/۷۵). اصل اول؛ دوست داشتن یکدیگر، اصل دوم؛ رعایت و ادای امانت و خیانت نکردن در مال و حقوق دیگران، اصل سوم؛ عمل به حق و قانون است. جامعه‌ای که به خطا و جرم عمدی و یا شبیه به عمد یک فرد خاطی و مجرم، حساسیت نشان ندهد، حرج و مرج او را فرا می‌گیرد. برخورد قاطعانه و متناسب با جرم ارتكابی، از مهم‌ترین فاکتورهای فرهنگ‌سازی و تحقق فرهنگ دینی و ارزش‌های اسلامی است.

بنابراین، فرهنگ‌پذیری و گرایش‌ها به فضائل و آرمان‌های دینی، فرع بر برچیدن و نبودن زمینه فساد و آلودگی است. در نهی از منکر، باید به تمام مراحل آن (مرحله انزجار قلبی، مرحله زبانی و مرحله عمل) توجه کنیم و نیز، به شیوه نهی از منکر معصومین علیهم‌السلام، خصوصاً حضرت فاطمه علیها‌السلام دقت کرده و خود را به سیره و روش آن بزرگواران، متعهد نماییم. مثلاً، وجود مقدس حضرت صدیقه طاهره علیها‌السلام به شیوه استدلالی، قهر و سکوت، توییح و تهدید و هشدار و افشاگری، نهی از منکر می‌کردند. می‌بینیم که همه این مراحل و شیوه‌ها، به نوعی بیانگر عامل بازدارندگی هستند.

### ح. ایجاد انگیزه و تحقق آن

از جمله عوامل مؤثر در گسترش فرهنگ دینی و پیاده‌سازی ارزش‌های اسلامی، ایجاد انگیزه است. هنگام تبلیغ و یادگیری، انگیزه ایجاد می‌شود، یعنی مبلغین و متولیان فرهنگی با روش‌هایی که ذکر گردید و با به‌کارگیری شرایط لازم و با استناد به الگوهای دینی و علمی و بیان نتایج و بازتاب اعمال مثبت و منفی، باید در وجود افراد جامعه، تولید انگیزه مشروع و مؤثر نمایند. بنابراین، مراکز فرهنگی و متصدیان امر، باید خود را به تأمین امکانات (تا حد ممکن) و ایجاد زمینه برای تحقق انگیزه موظف نمایند، چراکه اگر انگیزه مشروع و معقول از بین برود، جایش را انگیزه نامطلوب و شر می‌گیرد و در نتیجه، تأثیر منفی و بسیار خطرناک خواهد داشت و بدین سان، امنیت و سلامت جامعه مختل می‌گردد.

بنابراین، همه ما مسئول هستیم تا سخنان قرآن و عترت را، به عنوان عالی‌ترین و مترقی‌ترین الگوهای انسان در وجود خود و در جامعه اسلامی، جامعه عمل پوشانیم. به‌خصوص که اگر با عنوان «حکم اولی» باشد، به عنوان سنت، الزام‌آور است. در غیر این صورت، خدای نکرده اندیشه‌های معصومین علیهم‌السلام در جامعه، به صورت یک افسانه اسطوره‌ای در خواهد آمد که از آن، صرفاً در محافل و تکایای سنتی و مساجد، در مقاطع خاص و در جنبه‌های حماسی و مویه‌گرایی استفاده می‌شود و حال آن که، همه معتقدیم که دین اسلام، مانند آئین مسیحی و فلسفه اسلام، مانند فلسفه اسکولاستیک نیست، بلکه در تمام شئون زندگی در متن جامعه است.

## نتیجه‌گیری

معرفی و پیاده‌سازی و نهادینه کردن فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، یعنی معرفی و آموزش همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها از یک فرهنگ جامع، که سازنده این فرهنگ، عقاید و باورهای صحیح، اخلاقیات و خوهای پسندیده و اعمال صالحه و خلاصه، آرمان‌های مقدس الهی و همه انبیاء و ائمه معصوم علیهم‌السلام به نسل جدید است که در ابتدای راه بوده یا هنوز خارج این راه است.

این دو عامل، که قابلیت اجرایی آن، از خون پاک و سرخ تکامل یافتگان و کبوتران سفید و پرستوهای عاشق و مرغان سحر، امضا و تضمین یافته است، در صورتی که در همه زوایای زندگی فردی و اجتماعی و در یک جمله، در جامعه بشری اجرا گردد، آن جامعه برخوردار از سه اصل اساسی و بنیادی مورد نیاز جوامع بشری که امام هفتم علیه‌السلام تأکید فرمودند، خواهد شد و آن سه اصل عبارتند از تحقق عدالت و دادگری، امنیت و آسایش و اشتغال و تنظیم اقتصاد.

تبلیغ و آموزش ارزش‌ها و معروف‌های دینی به جامعه بشری، به‌خصوص به قشر فرهیخته جامعه، ضمن این که به طرق زبانی، عملی و استدلالی و هنری صورت می‌گیرد، پذیرش و تأثیرپذیری آن تابع شرایط زیر است:

باید شناختن و شناساندن احکام و مؤلفه‌های فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، به نحو مطلوب و با برنامه‌ریزی دقیق صورت بگیرد و متصدیان و ترویج‌کنندگان آن، عامل باشند. مخاطبین و فراگیران این فرهنگ، زمینه لازم و شرایط یادگیری و عوامل فرهنگ‌پذیری (آمادگی، موقعیت و تجربیات قبلی)، را دارا باشند.

فضای فرهنگی، مناسب باشد و زمینه لازم را جهت تأثیرپذیری دارا باشد و از تبلیغات مناسبی برخوردار باشد. عوامل بحران‌زا در کار نباشد و اگر چنانچه باشد، حدالمقدور کم و خنثی گردد. از دخالت عامل سیاسی پرهیز شود و نیز از لحاظ اقتصادی، مشکل حادی در کار نباشد. عوامل کنترل و نظارت، دقیقاً اجرا شود و عامل بازدارندگی، تقویت و بر اساس قانون و ضابطه اجرا شود.

## کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیم زاده، راضیه، آمادگی فراگیران، پژوهشگاه باقرالعلوم. <http://www.pajoohe.net>
۳. ابن شعبه حرانی، حسن، ۱۳۶۳ش، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، التصحیح والتعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی لجماعة المدرسين، الطبعة الثانية.
۴. بی‌نام، آداب امر به معروف و نهی از منکر، <http://khaandaniha.ir>
۵. بی‌نام، آموزه‌های دینی با رویکرد عرفانی - معنوی، ۱۳۸۲ش، مجله پگاه حوزه، شماره ۱۰۳.
۶. جعفری، محمدتقی، ۱۳۶۸ش، شرح و تفسیر نهج البلاغه، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۷. حسن‌زاده آملی، حسن، ۱۳۷۷ش، دلنامه و خداینامه، گردآورنده: مجتبی آوریده، تهران، انتشارات پارسیان.
۸. حسینی قزوینی، عبد‌الکریم، ۱۳۶۲ش، چهره حقیقی قیام حسینی در آئینه اسناد تاریخی، تهران، نشر کوکب.
۹. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۰ش، الحیاة، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۱۰. رحمان‌پور، محمد و بختیار نصرآبادی، حسنعلی، ۱۳۹۰ش، معرفت، سال بیستم، شماره ۱۶۰.
۱۱. روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۳۰۰۳، سال ۲۹.
۱۲. ره توشه راهیان نور، ویژه محرم الحرام، ۱۳۷۶ش، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
۱۳. سیدرضی، علی بن حسن، نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام، ۱۳۷۹ش.
۱۴. شبستری، شیخ محمود، ۱۳۷۷ش، گلشن راز، تهران، انتشارات صفی‌عالی‌شاه، چاپ اول.
۱۵. شریعتمداری، علی، ۱۳۴۲ق، روان‌شناسی تربیتی، اصفهان، نشر مشعل، چاپ اول.
۱۶. شعبانی، حسن، ۱۳۸۳، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران، سمت، چاپ هجدهم.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۳، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. عبد‌العظیم، زکی‌الدین المنذری، ۱۴۱۷ق، الترغیب والترهیب من الحدیث الشریف، المحقق: ابراهیم شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
۱۹. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۶۶ش، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
۲۰. فعالی، محمدتقی، ۱۳۸۱ش، خلا بیان هنری در معارف دینی، مجله پگاه حوزه، شماره ۴۶.
۲۱. قائمی مقدم، محمد رضا، ۱۳۸۹، روش الگویی در تربیت اسلامی، مجله معرفت، شماره ۶۹.
۲۲. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۲۳. —، بی‌تا، اصول کافی، مترجم: سیدجواد مصطفوی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه.
۲۴. مجلسی، محمد تقی، بی‌تا، روضة المتقین، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، چاپ دوم.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۳ق، بحار الانوار، مترجم: موسوی همدانی، تهران، کتابخانه حضرت ولی عصر (عج).

۲۶. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۷ش، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث.
۲۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۷ش، حماسه حسینی، قم، انتشارات صدرا.
۲۸. معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۷ش، شاهد دانشگاه، ویژه‌نامه یادواره شهدای دانشجوی کشور، قم، انتشارات فیضیه.
۲۹. موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۲ش، جهاد اکبر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳۰. نراقی، ملا احمد، ۱۳۸۱ش، مثنوی طاق‌دیس، محقق: علی افراسیابی، قم، نهان‌ندی.
۳۱. نشریه پگاه حوزه، صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، شماره‌های ۴۶، ۴۵، ۴۷.